

۱۳۵۷۶۴۵

بحران آذربایجان

و

طنین جهانی آن

بازگروه در شورای امنیت سازمان ملل متحد

نویسنده

دکتر مصطفی دبیری



سرشناسه	: دبیری، مصطفی
عنوان و نام‌پدیدآور	: بحران آذربایجان / نویسنده مصطفی دبیری
مشخصات نشر	: تهران: نامک ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ص ۳۷۹.
شابک	: 978-964-6895-67-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فهرست‌نویسی قبلی.
یادداشت	: فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
موضوع	: جنگ جهانی دوم، ۱۹۴۵-۱۹۳۹ م. - ایران - آذربایجان
موضوع	: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰-۱۳۵۷
رده‌بندی کنگره	: ۳.ب.۲/۵/۱۵۰۲ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۲۴
شماره کتابخانه ملی	: ۸۵-۱۳۲۸۰

کتاب در زبان بهی (فارسی میانه) به معنی کتاب و نامه است.
 تلفن: ۶۰۱۷۶۶



بهران آذربایجان

و طنین جهانی آن به‌ویژه در شوروی امنیت سازمان ملل متحد

دکتر مصطفی دبیری

حروفچینی: گنجینه

نوبت چاپ: دوم، ۱۳۹۶

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۸۹۵-۶۷-۶ ISBN: 978-964-6895-67-6

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.

دفتر فروش: ۶۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱

فهرست

- ۷ سگفتار
- ۹ مقدمه
- ۱۳ فصل اول - اشغال نظامی ایران
- ۱۵ بخش اول - فکر اشغال ایران
- ۲۳ بخش دوم - علت اشغال ایران، حاد و اتباع آلمانی، علت یا بهانه آن
- ۳۶ بخش سوم - اوضاع ایران، پس از استیلاء نیروهای بیگانه
- ۵۸ بخش چهارم - ۱۹۴۵ (۱۳۲۴)، سال کنفرانس های مهم
- ۶۵ بخش پنجم - کنفرانس یالتا و بحث و تصمیم آن درباره ایران
- ۸۳ فصل دوم - آشفته‌گی عمومی اوضاع ایران و فعالیتها
- ۸۵ بخش اول - وخامت اوضاع ایران در آستانه تشکیل کنفرانس پتسدام
- ۹۱ بخش دوم - اجلاس های ادواری وزیران امور خارجه متفقین
- ۱۱۲ بخش سوم - کنفرانس وزیران امور خارجه متفقین در مسکو
- ۱۲۹ فصل سوم - غائله آذربایجان شکایت ایران به سازمان ملل متحد
- ۱۳۱ بخش اول - تاریخچه مختصر تأسیس سازمان ملل متحد

- بخش دوم - استمداد ایران از شورای امنیت سازمان ملل متحد ۱۵۳
- بخش سوم - مارس ۱۹۴۶، ماه بحران‌های سیاسی و تحولات خطرناک .. ۱۶۹
- بخش چهارم - توسل مجدد ایران به شورای امنیت ۱۸۴
- بخش پنجم - علا و دستورات ضدّ و تقیض تهران ۲۲۴
- بخش ششم - قطعنامه مورخ ۸ ماه مه ۱۹۴۶ شورای امنیت ۲۳۳
- بخش هفتم - تهران، آخرین جایگاه فعالیت‌ها، پایان غائله آذربایجان .. ۲۴۶
- بخش هشتم - جمهوری قاضی محمد از آغاز رخنه شوروی تا پایان .. ۲۶۱
- بخش نهم - دولت جدید قوام؛ اعاده حاکمیت ملی بر آذربایجان ۲۷۵
- بخش دهم - «استقلال طلبانه» رژیم‌های تبریز
و مهاباد ۲۷۹
- فصل چهارم - موضوعات مهم در ارتباط با مسئله ایران در شورای امنیت .. ۲۸۷
- بخش اول - اختلاف نظر بین قوام و علا، افسانه یا حقیقت؟ ۲۸۹
- بخش دوم - مظفر فیروز و نقش او در دولت قوام ۳۰۲
- بخش سوم - اهمیت ملی و جهانی تخلیه ایران ۳۲۹
- بخش چهارم - نفوذ و قدرت ایالات متحده آمریکا در جریان ۳۴۴
- بخش پنجم - سرنوشت موافقت‌نامه قوام ۳۵۵
- ضمیمه ۳۶۳

پیشگفتار

در قرن بیستم، ایران، بکرات به صورت یکی از نقاط حادثه خیز جهان درآمد و غالباً در کارن توتنه بهائیان قرار گرفت. در آغاز قرن، صدای آزادیخواهانه ایرانیان، به پیروزی انقلاب مشروطیت انجامید و نظام حکومت مشروطه، پس از فراز و نشیب چندی بر پایه قانون اساسی استوار شد. همزمان با این حرکت سرنوشت ساز ملی، و در جهت بخاد، ان، قدرت فائقه عصر، به موجب عهدنامه‌ای، ایران را به مناطق نفوذ خود نسیم به این ترتیب، ایرانیان را از حق اعمال حاکمیت ملی خلع نمودند.

در نیمه نخست قرن، قاره اروپا، در باز صحنه جنگهایی که، بعد جهانی یافتند، شد و هر بار، ایران، بی آنکه سر جنگ یا کس داشته باشد، با وجود اعلام بیطرفی، از سوی نیروهای نظامی بیگانه اشغال گردید. به دنبال هر اشغال نظامی و به دستگیری نیروی اشغالگر، با پیدایش حکومتی یاغی، در یکی از استانهای کشور، روبرو شد و یکپارچگی اش در معرض خطر جدی قرار گرفت. خصوصیت عمده رژیم‌های شورشی این بود که خود را متأثر از ایدئولوژی کمونیستی ستوده و آشکارا نغمه تجزیه طلبی و استقلال از ایران را ساز کردند.

کمونیسم در اواخر دهه دوم قرن در کشور روسیه به کار گرفته شد. با رسالت رسانیدن جوامع بشری به سعادت سرمدی، گسترش به پهنه جهان اسدف خود اعلام نمود. ایران که با روسیه طولانی ترین مرز مشترک را داشت، از این ره نادر دور نماند. بر عکس!

نخستین رژیم شورشی مرتبت با روسیه کمونیستی، و یا مدعی آن، در استان گیلان، بلافاصله پس از اشغال آن توسط ناوگان دریائی ارتش سرخ در ۱۲۹۸ (۱۹۲۰) به وجود آمد و خود را «جمهوری شوروی گیلان» نامید. دومین نظام یاغی، به دنبال اشغال ایران، در جریان جنگ جهانی دوم، در آذربایجان ایجاد شد و در این ماجرا، از کمک مستقیم نیروی نظامی بیگانه در آن سامان برخوردار بود.

زامانداران ایران، در هر دو مورد، به هر دری زدند و به هر مرجعی روی آوردند تا به موجودیت حکومت شورشی در استان آشوب زده پایان داده و اقتدار ملی را مجدداً

برقرار سازند. خروج نیروهای بیگانه از کشور لازمه تأمین این منظور بود. در واقعه گیلان، از جامعه ملل استمداد شد. در مورد بحران آذربایجان، ایران به سازمان ملل متحد شکایت کرد.

سرانجام، ایران از نیروهای بیگانه تخلیه شد. ناوگان دریائی شوروی، پس از شانزده ماه، از ایران بیرون رفت و به دنبال عقب‌نشینی آنها، عمر حکومت شورشی آنجا نیز به سر آمد*. در آذربایجان، حکومت فرقهٔ دموکرات، شش ماه پس از خروج نیروهای شوروی از ایران، و دوازده ماه اعمال قدرت، پایان یافت.

این نوشته به بررسی اجمالی اوضاع ایران، از مقدمات اشغال نظامی آن در شهریور ۱۳۲۰ تا اعادهٔ اقتدار ملی در آذربایجان، اختصاص یافته است. شرح جریان‌ات ناظر بر ارجاع موضوع به شورای امنیت و بازسازی جو غالباً متشنج میان آن مردم در توجّه خاصّ بوده است.

رسم اختلاف ایران و شوروی در شورای امنیت، برای سیاست‌گذاران ایران، با شرایط برساختهٔ ای، همراه بود. از این‌رو، سعی شده است که عملکرد آنان در آن اوضاع و احوال - اساساً بحرانی و نیز نحوهٔ برخورد دیگرگردانندهٔ عمدهٔ بحث و تصمیمات شور، هر - روش‌تر، و تا حدّ امکان، واقع‌بینانه نشان داده شود. افزون بر این، دیگر جنبهٔ درخشان توجّه پیدایش حکومت فرقهٔ دموکرات آذربایجان و بازتاب جهانی فوق‌العادهٔ آن در دولت اتحاد شوروی در پیدایش فرقهٔ دموکرات نخستین عامل بود که متفقین غرض از نسبت به صداقت رهبران شوروی در گفتار و کردار آنها، بدگمان کرد. بحران آذربایجان اولین آثار شکاف در اتحاد زمان جنگ را پدید آورد و سرآغاز آنچه که در روابط بین‌الملل «جنگ سرد» نام گرفته، شد.

بنا به همهٔ این ملاحظات، بحران آذربایجان از دیدن از مسائل بسیار مهم و همواره مورد توجّه اهل نظر، دیپلماتها و محافل آکادمیک جهان بوده و پس از نزدیک به شصت سال که از زمان وقوع آن می‌گذرد، هنوز برای پژوهشگران در فعالیتهای سازمان ملل متحد و علل پیدایش جنگ سرد، مرجع رسمی در همهٔ اول به شمار می‌رود. به این جهت، کوشش به عمل آمده است تا با تفسیری که همیت ملی و بین‌المللی آن و نیز آگاهی هرچه بیشتر ایرانیان از جزئیات مباحث شورای امنیت ایجاد می‌کرد، بیان و به خوانندگان عرضه شود.

مصطفی دبیری

ژنو، آبان‌ماه ۱۳۸۲ شمسی

* چگونگی تخلیهٔ گیلان از نیروهای شوروی، در کتاب نگارنده، تحت عنوان «انگلیس و روسیه در ایران، ۱۹۲۲-۱۹۱۹: جلوه‌هایی از سلطهٔ آنها و تلاش برای رهایی از آن، از جمله استمداد از جامعهٔ ملل»، انتشارات سخن، ۱۳۸۶، تهران، به تفصیل بیان شده است.

مقدمه

ژنو — سویس — ۲ دسامبر ۱۹۹۹ همه خبرگزاری‌های جهان، خبر کوتاهی به این مضمون منتشر کردند:

«ارتش روسیه، از طریق هلیکوپتر، اطلاعاتی بر فراز شهر گروزنی، پایتخت چچن ریخت و طی آن، از ساکنان این شهر، فوایدی که شهر گروزنی را تخلیه کنند، اطلاعاتی حاکی بود که واحدهای ارتش روسیه، در شرف تکمیل محاصره شهر می‌باشند، و از اهالی خواسته شد که، برای حفظ جان خود، به هر وسیله‌ای که باشد، شهر را پیش از ۱۱ دسامبر ۱۹۹۹ ترک نمایند.»

تلویزیون، هم‌زمان با اعلام این خبر، تصاویری از اوراق اسلایته در آسمان شهر گروزنی را نشان می‌داد. منظره تکان‌دهنده و خاطره‌انگیزی را درخشش اوراق بر پهنه آسمان، چرخیدن، بالا رفتن و پایین آمدن آنها، در فضا، بالاخره به زمین نشستن اوراق و شتاب مضطربانه مردم برای اطلاع از محتوای آنها، همه در آن لحظه درست آن حالتی را داشت که آن روز، قریب به نیم قرن پیش از آن، در آن محل کوچک دورافتاده، خود، شاهد آن بودم. فقط زمان و مکان و وسیله پخش اوراق عوض شده بود.

در گروزنی، اوراق اطلاعاتی، از هلیکوپتر پخش می‌شد، در سیه‌چشمه، دو هواپیما، این کار را انجام می‌دادند. در گروزنی، آخر پاییز و زمین پوشیده از برف و هوا به شدت سرد بود. در سیه‌چشمه، اواخر تابستان و هوا بسیار مطبوع بود. لیکن،

در هر دو مورد، عامل واقعه، و منشأ صدور فرمان، مسکو بود. هنگام واقعه گروژنی، نام کشور فرستنده هلیکوپتر، فدراسیون روسیه، ولی، در زمان حادثه سیه چشمه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود.

سیه چشمه، آن قصبه کوچک نیم قرن پیش، تغییر شکل و حتی نام داده و اینک شهرستان چالدران خوانده می شود. آن روز که این واقعه رخ داد، مانند روزهای قبل آسمان صاف و قله آزارات، که از آنجا به راحتی دیده می شود، پوشیده از برف ولی بی اثر بود. اوائل ماه آخر تابستان، و هوا گرم و فصل برداشت محصول بود. در قسمت شمال محل، میدانی پهناور بود و رودخانه ای، از جنوب به شمال، از وسط آن می گذشت. باغ پدر بزرگم در نزدیکی میدان واقع شده بود و کلاغ های بی ساری که بر بالای درختان آن آشیانه داشتند، در تمام طول بهار و تابستان، لحظه ای از قار، از کر آرام نمی گرفتند. ساکنان این قسمت سیه چشمه، به آوای جمعی این کلاغ ها خوگین بودند و جز پدر بزرگم، که وجود آنها را آفتی برای باغ خود می شمرد، از آن بیگانه نمی نداشتند.

حوالی ساعت ده (۱۰) صبح در یک صدایی مهیب و رعدآسا از اعماق آسمان، سکوت محل را شکست. صداها ریخته ریخته رفتند، نزدیک و نزدیک تر و در نتیجه قوی تر شد. از شنیدن این صداهای غیرعادی، مردم، از هر سو، به وسط میدان روی آوردند. همه بهت زده و کنجکاو به آسمان می نگریستند و جویای منشأ صداها بودند. هنوز چند لحظه ای نگذشته بود که هیأتی و هواپیما که با صدای گوشخراشی، از فاصله نزدیکی رد می شدند، در آسمان دیده شدند. صدای پر طنین و زنگدار پدرم را هنوز در گوش دارم: نترسید، طیاره های آلمانی است. نترسید، طیاره های آلمانی است.^۱

از قسمت عقب هواپیماها، ناگهان اشیایی نامشخص در پهنا آسمان پدیدار، و

۱. علت، آنطور که بعدها دریافتم، این بود که پدرم اشتراک روزنامه «ایران» را داشت و وقتی که خواندن و نوشتن آموختم، شماره های آن ایام روزنامه را سرشار از اخبار جنگ جهانی دوم به ویژه پیشرفت های برق آسای ارتش آلمان در جبهه روسیه دیدم بی گمان، پدرم تحت تأثیر اخبار آن روزنامه، هواپیماها را به آلمان نسبت می داده است.

در گستره وسیعی پخش شدند. آن اشیاء، مدام، به دور خود می‌چرخیدند و بالا می‌رفتند و پایین می‌آمدند. و هر لحظه شفاف‌تر و درخشان‌تر به زمین نزدیک‌تر می‌شدند. با دیدن آن اشیاء نورانی، نگرانی و تشویش نیز بر حس کنجکاوی آمیخته به حیرت مردم، افزوده شد. آن روزها، هنوز، صحبت از بشقاب پرنده نبود، یا، دست‌کم، در آن صفحات کسی چیزی از این مقوله نمی‌دانست. در نتیجه، دهه، تصویر کردند که شاید هوایماها بمب‌هایی بر فراز سیه‌چشمه انداخته‌اند. طری‌نکشید که اشیاء درخشان، تلوتلوخوران، به تعداد زیاد، در فاصله کمی از محل تجمع مردم، مزارع و مراتع بود، به زمین نشستند. عده‌ای، بی‌درنگ به سوی چشم شفاف و در اشیاء درخشان و شفاف که معلوم شد جز اوراق کاغذ نبودند، چند برگ آوردند. بعد از مرادی که، آن روز، در آن محل، خواندن و نوشتن بلد بودند از انگلستان یک دست‌نویس آوردند. دو سه نفر، در حالت سکوت، به خواندن اوراق پرداختند. مرتباً نسخه‌ای از آن را که گویا عنوان «اطلاعیه برای اهالی...» داشت، با صدای بلند برای حاضرین مبهوت خواند. آلمان... نازی... هیتلر... دوستی ملت‌های ایران و اتحاد شوروی، تنها کلماتی می‌باشند که از شنیدن متن آن اطلاعیه‌ها، در آن روز، به خاطر منده‌اسه.

آن روز، سوم شهریور ۱۳۲۰ بود. انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی، از جنوب و شمال، هم‌زمان، در خاک ایران، قشون پیاده کرده بودند. ایران اشغال شده و با وجود اعلام بی‌طرفی، به میدان جنگ جهانی دوم کشیده شده. سیه‌چشمه، در آذربایجان، در حوزه اشغالی اتحاد شوروی فرار گشت. به علت نزدیکی فاصله، در اندک مدتی، طلابه‌داران نیروهای ارتش سرخ، در حالی که مردم دستخوش هول و هراس شدید بودند وارد سیه‌چشمه شده و در ساختمان پادگان که به «نظامیه» معروف و در نظر ما، از ابهت خاصی برخوردار بود، مستقر شدند.

جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم، با اشغال لهستان توسط نیروهای آلمان، در تاریخ اول سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۰ شهریور ۱۳۱۸) آغاز شد. کشورهای فرانسه و انگلستان، روز سوم سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۲ شهریور ۱۳۱۸) به آلمان اعلان جنگ دادند.

نیروهای آلمان، روز ۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ (۱ تیرماه ۱۳۲۰)، به طور غافلگیرانه، به اتحاد شوروی حمله کردند. دولت ایران، سه روز پس از آغاز جنگ در اروپا، یعنی در چهارم سپتامبر ۱۹۳۹ (۱۳ شهریور ۱۳۱۸) اعلام بی طرفی در جنگ کرده بود. با وجود این، چهار روز پس از حمله نیروهای آلمان به شوروی، یعنی بیست و ششم (۲۶) ژوئن ۱۹۴۱ (۵ تیرماه ۱۳۲۰)، ایران، مجدداً، اعلام بی طرفی نمود. حمله آلمان به شوروی را باید سرآغاز تمهیداتی که به اشغال هم‌زمان ایران، از سوی نیروهای انگلستان و اتحاد شوروی انجامید، دانست.

www.ketaboo.ir